

خدا را شکر؛ طارمی به سرنوشت علی دایی دچار نشد!



شناسه خبر : ۱۳۳۷۷۸ پنجشنبه ۱۲ بهمن ۱۴۰۲ - ۱۱:۳۹

نزدیک بود مهدی طارمی به سرنوشت استادش دچار و خاطره تلخ علی دایی را برایمان زنده کند.

فوتبال دوستان محال است جام ملت‌های ۲۰۰۰ لبنان را فراموش کنند. تیم پرستاره ایران بعد از درخشش در جام جهانی ۱۹۹۸ ستاره‌های اروپا رفته‌ای داشت و به عنوان مدعی اول قهرمانی قدم به جام گذاشت. ایران در بازی افتتاحیه، میزبان را با چهار گل برد تا برای همه مدعیان خط و نشان بکشد اما افسوس که رقیب اصلی ما در درون خود تیم بود. آن تیم دچار چند پارگی شده بود، مشکلی که متأسفانه در طول تاریخ بسیاری نسل‌های درخشان ما را آزار داده و مانع از رسیدن آنها به حشانشان شده است. چه بسیار تیم‌هایی که باید قهرمان جام ملت‌ها می‌شدند یا به المپیک می‌رفتند اما حالا نیم قرن است که این حسرت در دل فوتبال ما مانده... حسرتی که امیدواریم این تیم به آن پایان بخشد. تیمی که از هر نظر

شایسته و چیزی کمتر از تیم‌های بزرگ تاریخ ما ندارد و یک چیز هم بیشتر دارد که آن اتحاد و همدلی میان بازیکنان است. تیمی که ستاره بزرگش - مهدی طارمی - تنه به تنه بزرگان تاریخ می‌زند و اتفاقاً خود او بهترین مثال برای اثبات برتری این تیم نسبت به گذشتگان است.

مهدی طارمی کشف علی دایی در فوتبال ایران بود که او را از دسته دوم به پرسپولیس آورد، اعتماد کرد و از او یک گلزن بزرگ ساخت که امروز فوتبال ایران به وجودش افتخار می‌کند اما نزدیک بود که این شاگرد به سرنوشت استادش دچار شود! فوتبالی‌ها خوب به یاد دارند که آن تیم استثنایی جام ملت‌های ۲۰۰۰ لبنان چطور در اولین بازی دور حذفی با گل استثنایی کریم باقری از کره پیش افتاد. تیمی که متأسفانه اسیر چند دستگی بود اما در آن مسابقه تا دقیقه ۹۰ برنده محسوب می‌شد. در واپسین ثانیه‌های بازی علی دایی برای کمک به خط دفاعی عقب آمد. در دقیقه ۹۰+۱ حین دفع یک توپ دچار اشتباه شد و همان توپ را مهاجم کره‌ای به تور دروازه ما دوخت. شوک ناشی از این گل به حدی بود که با آغاز وقت‌های اضافه تیم ملی خیلی زود در اولین حمله کره گل طلایی را خورد و از دور مسابقات کنار رفت. در آن دوره برای اولین و آخرین بار قانون گل طلایی اجرا شد که بلافاصله پس از آن بازی متوقف و تیم ایران به عنوان قربانی مجبور به بازگشت شد. بعد از آن تورنمنت مصاحبه‌های معروف مهدوی کیا و جلال طالبی - سرمربی وقت تیم - در حافظه تاریخ ماند و همه فهمیدند که ایران در واقع به خود باخته نه به رقیب روبرو...

این بار دوباره در نخستین مرحله دور حذفی و دوباره در دقیقه ۹۰+۱ ستاره تیم ملی یعنی مهدی طارمی برای کمک به دفاع عقب آمد و با دریافت کارت زرد دوم اخراج شد. همه می‌دانند که طارمی در تیم ما چه جایگاهی دارد و از نظر روحی حضورش در زمین چقدر برای همه مهم است. همه رقبا روی او برنامه‌ریزی می‌کنند و چشم بازیکنان و مردم ما به ساق‌های اوست تا گره از کار تیم ملی باز کند. آن بار علی دایی در همین دقیقه اشتباه کرد و بازی ۱-۱ شد تا به وقت اضافه برود، این بار بازی ۱-۱ بود که طارمی اخراج شد تا در وقت اضافه مجبور به ۱۰ نفره جنگیدن باشیم. همه چیز علیه ما بود که ناگهان وجه تمایز این تیم به دادم‌ان رسید.

تیمی که اتحاد و یکدلی دارد و دیدیم که با رفتن مهدی طارمی از زمین چطور بقیه بازیکنان دست به دست هم دادند تا جای خالی رفیق خود را پر کنند. اینجا دیگر طارمی ستاره تیم ملی نبود، دوستی بود که با اشک‌هایش به بقیه نشان می‌داد چقدر به کمک آنها نیاز دارد. مهدی طارمی از آن بالا روی سکوها با علیرضا بیرانوند قبل از پنالتی‌ها حرف زد و اشک شوق او بعد از گل شدن ضربات ما بارها توسط کارگردان تلویزیونی به تصویر کشیده شد. اغراق نیست اگر بگوییم مهدی طارمی با وجود اخراج از زمین نقش بزرگی در این صعود داشت. با خروج او از زمین مشخص شد که بازیکنان ما چه تیم یک دست و یکدلی هستند و چطور از جان مایه گذاشتند تا ۱۰ نفره دروازه تیم را برابر سوریه نگه دارند.

ما امیدوار به ضربات پناستی با حضور علیرضا بیرانوند بودیم اما انگیزه‌ای که بازیکنان به خاطر طارمی داشتند، کم از درخشش بیرانوند نبود. بازیکنان نمی‌خواستند تقصیر این شکست و حذف به گردن طارمی بیفتد و چه جانانه و مردانه به جای او دویدند و جنگیدند تا این پیروزی را تقدیم مهدی کرده باشند. کاری که بارها مهدی برای بقیه کرده بود و حالا بقیه برایش کردند و با دیدن این روحیه همه امیدوار شدیم که حتی برابر ژاپن حتی بدون طارمی هم دوباره تیم ملی کاری خواهد کرد کارستان....

انتهای پیام/